

اشاره:

طراحی سؤالات غیرهمسو با اهداف برنامه درسی یکی از نقدهایی است که سال‌ها در مورد سؤالات کنکور سراسری مطرح بوده است. در همایشی با حضور برخی دبیران شهر تهران، اعضای شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های دینی و قرآن، مؤلفان کتاب و کارشناسان دینی و قرآن و سازمان سنجش در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با هدف نقد و بررسی سؤالات درس دینی و قرآن کنکور ۹۲ برگزار گردید.

چکیده مباحث مطرح شده در این همایش در قالب یک بیانیه به طراحان سؤالات کنکور ارائه گردید تا در آزمون‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. آنچه در پی می‌آید متن این بیانیه است.

۱. «تعلیم و تربیت قرآنی مطلوب»، محصول همیاری و همگامی و انسجام میان نهادهای متولی این مهم است. هم‌آوایی و هم‌دلی میان نهادهای مسئول این موضوع به‌ویژه نهادهای حاکمیتی از ضرورت‌های ثمردهی فعالیت‌های تربیتی است. آموزش و پرورش و سازمان سنجش کشور از جمله این نهادها می‌باشند که لازم است در طراحی اهداف مطلوب خود با هم‌اندیشی به وحدت و یک‌پارچگی دست یابند تا در فرایند نیل به این اهداف خللی ایجاد نگردد. برگزاری نشست‌های مشترک و حضور فعال هر دو نهاد در این نشست‌ها و هم‌اندیشی‌ها می‌تواند برخی مشکلات به‌وجود آمده را برطرف سازد. از جمله این مشکلات نحوه ارزش‌یابی درس دینی و قرآن در آزمون‌های سراسری است. این مشکل

آزمون

یاسین شکرانی

بررسی نسبت آزمون‌ها سراسری با اهداف درس تعلیم و تربیت دینی و قرآنی



به‌گونه‌ای است که دانش‌آموزان و به دنبال آن دبیران را با چالش‌های جدی در روند آموزش مواجه کرده است.

۲. آگاهان عرصه آموزش بر این مسئله اتفاق نظر دارند که ارزش‌یابی در فرایند آموزش بایستی در خدمت آموزش باشد نه در مسیری متفاوت و غیرهمسو. از این‌رو، ارزش‌یابی صحیح و اصولی، ارزش‌یابی است که در راستای اهداف آموزش گام بردارد و وظیفه خود را سنجش میزان وصول به اهداف آموزش قرار دهد.

۳. بنابر اسناد بالادستی (برنامه درسی ملی و راهنمای برنامه درسی) که به تأیید رئیس‌جمهور، وزیر آموزش و پرورش و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت رسیده است، شناخت همراه با تفکر و تعقل آموزه‌های دین، تقویت ایمان و ایجاد علاقه و انس به مفاهیم آن و در نهایت فراهم کردن زمینه‌های شکل‌گیری رفتار مطلوب در دانش‌آموزان جزو مهم‌ترین اهداف برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی و قرآنی می‌باشد.

با توجه به اهداف مذکور، شیوه ارزش‌یابی در سؤالات کنکور نیز بایستی همسو با این اهداف و تسهیل‌کننده راه وصول به آن باشد. با این وجود، شیوه ارزش‌یابی از درس مذکور در کنکور سراسری به‌گونه‌ای است که نه تنها به

تقویت اهداف این درس کمک نمی‌کند بلکه موجب بروز آسیب‌هایی در تحقق این اهداف نیز شده است. برخی از این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

● دشواری بیش از حد سؤالات و حافظه‌محور بودن آن‌ها موجب شده تا دغدغه دانش‌آموزان برای مطالعه این درس، صرف کسب توانایی به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات کنکور شود و نه رسیدن به پاسخ پرسش‌های خود و یا شناخت همراه با تفکر و تعقل آموزه‌های دین و عمل کردن به این آموزه‌ها.

● دغدغه کسب توانایی برای پاسخگویی به سؤالات پیچیده کنکور موجب شکل‌گیری یک خواست مشترک از سوی دانش‌آموزان، خانواده‌ها و به دنبال آن مدیران مدارس از دبیران شده است تا این دبیران به‌جای حرکت در جهت

اهداف متعالی درس تمام هم خود را به آموزش و یاددهی روش‌های تست‌زنی و راه‌کارهای کشف معماهای موجود در تست‌ها مصروف سازند.

این مسئله موجب شده تا دبیرانی که کتاب درسی را مطابق با اهداف سند ملی برنامه درسی و راهنمای برنامه تدریس می‌کنند، از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان تحت فشار قرار گرفته و حتی زیر سؤال روند. نکته‌ای که در این میان جای تأمل بسیار دارد این است که دانش‌آموزی که توسط دبیر مطابق با اهداف تصویب شده سند برنامه درسی ملی، آموزش ببیند از پس پاسخ‌گویی به سؤالات درس در کنکور سراسری برنمی‌آید.

این نکته شکاف عمیق میان اهداف مورد نظر آموزش و پرورش و اهداف ترسیم شده سازمان سنجش را به خوبی نشان می‌دهد. ● فاصله میان اهداف این درس با اهداف مدنظر طراحان

سؤالات کنکور موجب بروز برخی مشکلات در روند اجرایی برگزاری کلاس‌ها نیز شده است. به‌گونه‌ای که در برخی از مدارس دخترانه به‌جای دعوت از دبیران توانمند زن، متأسفانه، از دبیران مرد استفاده می‌شود. البته نه از آن جهت که این دبیران بهتر درس می‌دهند بلکه تنها به این دلیل که این دبیران بیشتر وقت کلاس را به بیان نکات کنکوری می‌پردازند.

همچنین بر اساس گزارش‌های

رسیده، برخی از مدارس حتی آموزش درس دینی و قرآن را تعطیل کرده و کلاس کنکور این درس را جایگزین آن کرده‌اند.

● شیوه طراحی سؤالات در عمل منجر به فاصله گرفتن دانش‌آموز از متن و محتوای اصلی کتاب و روی آوردن به کتاب‌های کمک‌آموزشی شده است. کتاب‌هایی که نه تنها در راستای اهداف درس تألیف نشده‌اند بلکه در بسیاری از موارد در تقابل با این اهداف نیز گام برمی‌دارند. با این وجود اقبال دانش‌آموزان به این کتاب‌ها روز به روز در حال بیشتر شدن است چراکه آنان سازگاری این کتاب‌ها را با سؤالات کنکور، بسیار بیشتر از خود کتاب می‌دانند و با مطالعه این کتاب‌ها که صرفاً آموزش روش‌های تست‌زنی است، خود را بی‌نیاز از مطالعه کتاب درسی می‌یابند.

در برخی از مدارس دخترانه به‌جای دعوت از دبیران توانمند زن، متأسفانه، از دبیران مرد استفاده می‌شود. البته نه از آن جهت که این دبیران بهتر درس می‌دهند بلکه تنها به این دلیل که این دبیران بیشتر وقت کلاس را به بیان نکات کنکوری می‌پردازند

۴. در خصوص سختی بیش از حد سؤالات کنکور، ممکن است این نکته از سوی طراحان سؤالات مطرح شود که سؤالات باید از سختی بالایی برخوردار باشند تا بتوان بر اساس آن به گزینش نفرات مستعد دست یافت. میزان صحت و اعتبار این نظر در محدوده بحث ما نیست، اما بر این عقیده‌ایم که بایستی در کنار این مسئله به چند نکته مهم و اساسی نیز توجه داشت:

الف. خواست ما آسان کردن بیش از حد سؤالات این درس نیست بلکه تقاضای ما دوری از افراط و تفریط در این مسئله و طراحی سؤالات کنکور در چارچوب اهداف و ضوابط کتاب درسی باشد. سؤالات درس دینی و قرآن نباید به آن حد از دشواری برسند که دانش‌آموزان از آن به‌عنوان «المپیاد دینی» یاد کنند و نه بایستی در حیطه‌هایی طرح شوند که یادگیری و آموزش آن بر عهده دانش‌آموز نبوده است.

ب. هدف درس دینی و قرآن با سایر دروس تفاوت‌های جدی دارد. هدف این درس ایجاد عشق و علاقه به دین، گرایش به دین‌داری و تمایل یافتن به اعمال و رفتارهای دینی و انس قرآن کریم است. اگر سؤالات درس‌هایی چون فیزیک، ریاضی و ... سخت باشد، مشکلی در اعتقادات، باورها و گرایش‌های مخاطب پدید نمی‌آید اما سختی سؤالات درس دینی و قرآن در چند سال اخیر موجب زدگی دانش‌آموزان از این درس و گاه دین‌گریزی آنان شده است.

۵. در پایان از طراحان سؤالات درس دینی انتظار می‌رود: ● به متن و محتوای درس که نقش اصلی را در آموزش و انتقال مطالب دارد، توجه بیشتری در طراحی سؤالات شود و محور اصلی سؤالات بر مبنای محتوای درس قرار گیرد؛ زیرا در وضعیت فعلی تنها ۲۰ درصد سؤالات کنکور از محتوای درس طراحی می‌شود و این موجب بی‌توجهی به متن درس و به حاشیه راندن آن می‌شود؛ در حالی که محتوای درس،

شاکله اصلی کتاب و محور آموزش است. ● به ضوابط و اصولی که در بخش‌نامه‌ها، راهنمای برنامه درسی، ابتدای کتاب درسی و کتاب راهنمای معلم در خصوص نحوه ارزش‌یابی کتاب مطرح شده است، توجه لازم شود.

همچنین در مقدمه کتاب‌ها آمده است که ترجمه آیاتی که خود کتاب آن‌ها را ترجمه کرده است بر عهده دانش‌آموز نمی‌باشد در حالی که نیمی از سؤالاتی که در خصوص آیات قرآنی آمده است از ترجمه آیاتی سؤال شده است که ترجمه آن بر عهده دانش‌آموز نبوده است، حال چه در گزینه صحیح و چه در گزینه غلط. ● از طراحی سؤالات کلیشه‌ای و حافظه‌مدار خودداری شود و سؤالات مفهومی مورد توجه طراحان قرار گیرد. همچنین از طرح سؤالاتی که در عین دشواری در سطح پایینی از یادگیری قرار دارند اجتناب گردد.

● با توجه به اینکه حفظ متن عربی هیچ آیه و حدیثی (به‌جز چند مورد در کتاب سوم) بر عهده دانش‌آموز نیست، از این‌رو، از طرح سؤالاتی که نیاز به حفظ آیات و روایات دارد، پرهیز شود.

● از پیچیده کردن متن سؤال با استفاده از عبارات‌های ثقیل یا تودرتو کردن سؤالات پرهیز شود، چرا که در برخی از سؤالات درک صورت سؤال از پیدا کردن جواب سؤال مشکل‌تر است.

● با توجه به اینکه دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل آیات قرآن را با اعراب لازم آن فرا گرفته‌اند، لازم است تا در طراحی سؤالات کنکور، آیات همراه با اعراب لازم آن بیاید تا دانش‌آموز با قرائت آسان‌تر بتواند سریع‌تر به محتوای آیه پی‌برد. امید می‌رود شیوه فعلی ارزش‌یابی در آزمون‌های سراسری که در تعارض با شیوه آموزش درس دینی و قرآن و اهداف متعالی آن است، به‌گونه‌ای اصلاح شود که شاهد نزدیکی این آزمون‌ها به اهداف درس و کمک آن به تحقق این اهداف باشیم.